

فصل‌نامهٔ جُندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شمارهٔ ۱۱، پاییز ۱۳۹۶

متون مانوی

آلویس فان تَنگِرِلو و ورنر زوندرمان
ترجمهٔ ویدا موفقی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۰

۱. متون مانوی قبطی^۲

در آستانهٔ قرن جدید^۳ مانوی‌شناسی انحصاراً از روی منابع دست دوم و عمدتاً از روی نوشته‌های الحادی مخالفان مسیحی، زرتشتی، بودایی، و مسلمان مانی صورت می‌گرفت (۷۶ تا ۲۱۶ م). در آغاز قرن بیستم کشفیات جادهٔ ابریشم متونی از منابع اولیه را در اختیار ما قرار داد. این قطعات متنی که به چینی و فارسی یا به زبان‌ها و خطوط قدیمی ناشناخته یا کمتر شناخته‌شده‌ای چون تُخاری، فارسی میانه، پارتی، سغدی، باختری، و ترکی اویغوری نوشته شده‌بودند، اساساً موجب شناخت و تفسیر جدیدی از مانوی‌شناسی شدند؛ مثل اینکه که با افزودن تکه‌های یک موزائیک پیچیده کم‌کم طرح آن را نمودار می‌ساخت. همچنان که تحقیقات روی این متون پیش می‌رفت یک سری متون مانوی قبطی در اواخر دههٔ ۱۹۲۰ در مصر کشف شد و در طول این دهه ویرایش‌های مهمی صورت گرفت. با کشف همزمان، شناخت و انتشار اولیهٔ متون تورفانی (که در دورهٔ بعد از جنگ جهانی دوم هم ادامه یافت)، می‌توان گفت که پیدایش این متون بیش‌ترین پیشرفت را در فاصلهٔ بین دو جنگ جهانی داشته‌است. از سال ۱۹۴۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران Vida.movaffaghi@ut.ac.ir

۲. این مقاله ترجمه ای است از:

Tongerloo, Aloïs van. "COPTIC MANICHEAN TEXTS," *Encyclopædia Iranica*, VI/3, pp. 260-264, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/coptic-manichean-texts>

3 See chinese Turkestan vii; Ries, 1988; van Tongerloo, 1991

عمده‌ترین پیشرفت در متون مانوی، فراگیری و ویرایش نسخه‌های کوچک یونانی بود (رک: بخش بعد، نسخه‌های خطی مانوی کُنن) تا سال ۱۹۹۱ وقتی که متون جدید به زبان قبطی و زبان‌های دیگر در ریگ‌زارهای واحد کویری داخل در حدود ۲۳۰ مایلی غرب شهر اقصر در مصر، در نزدیکی سایت باستانی کلیس (اسمنت الخراب امروزی) کشف شدند. ویژگی تمام اسناد مانوی شناخته‌شدهٔ قبطی این است که تابع لهجهٔ آخمیمی هستند.^۱

۱- متون مانوی قبطی کشف‌شده در دههٔ ۱۹۲۰ میلادی:

گفته‌شده که احتمالاً به شکل نه خیلی صحیح هفت عدد از نسخه‌های پاپيروس قبطی مانوی مربوط به قرن چهار هستند که از مدینهٔ ماضی بدست آمده‌اند^۲ و در سال ۱۹۲۹ توسط سه دلال به هشت قسمت تقسیم شدند^۳ و هانس اوستن فلد لانگه^۴ (۱۸۶۳-۱۹۴۳) مصرشناس دانمارکی در نوامبر همان سال برای خریدشان وارد بحث شد، اما بعد از مذاکرات گسترده، نسخه‌های قدیمی به آلفرد چیستر بیٹی، و پروفیسور کارل اشمیت (۱۸۶۸ تا ۱۹۴۳) در برلین فروخته شدند. او کسی است که در اولین انتشار محققانهٔ این یافته‌ها همکاری کرد. (اشمیت و پولوتسکی)، نهایتاً قسمتی از مجموعهٔ اشمیت به آکادمی ویزنیس فوتن در برلین داده شد. بعد از عملیات حفظ و نگهداری که توسط متخصص آلمانی، هوگو ایبسر و پسرش رولف (متوفی ۱۹۶۷) در برلین بر روی تمام مکشوفات انجام شد، این مجموعه بیٹی که رونمایی هم شده بود، به صاحبش در لندن برگردانده شد. در سال ۱۹۵۳ این مجموعه به دابلین انتقال یافت. سرنوشت قطعات دیگر متون مانوی بر ما معلوم نیست. به خاطر حوادث جنگ جهانی دوم به نظر می‌رسد که برخی از آنها به موزهٔ مصرشناسی در برلین شرقی برگردانده شده باشند. بعضی دیگر توسط روسیه ضبط و به ورشو رفته و باقی خراب یا گم شده باشند. اگرچه ممکن است که آنها در انجمن ایالت‌های مستقل (شوروی سابق) نگهداری شوند. تاریخچهٔ کشف و معرفی مکان‌های تقریبی این مجموعه به روشی متفاوت از قبل توسط این افراد صورت گرفت: والتر بلنز، الکساندر بولیگ،^۵ سورن

1. L4, Manichean Coptic; see, e.g., Funk; 1985; Kasser; 1984; idem, forthcoming.

2. GK. Narmouthis, in the Egyptian Fayyum.

3. Among them the former chief cashier of Credit Foncier in Cairo, Maurice Nahman, d..March 1948.

4. Hans Ostenfeld Lange

5. 1968; 1989b ;1989a.

گیورسن،^۱ رولف ایسچر، جیمز ام. رایینسون، و میشل تاردین.^۲ هفت نسخه خطی شناخته شده شامل کتاب مزامیر مانوی، قطعات زبور، دو نسخه از کفالایا، یک مجموعه از مواعظ، اعمال و مجلدی از نامه‌های مانی می شوند.

دو قسمت از این کتاب مزامیر^۳ چاپ شده است، قسمت ۱ (۱۷۲ برگه) در یک رونوشت،^۴ قسمت دوم (۱۱۷ برگه) ولی فقط تعدادی از این مزامیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.^۵ برخی قطعات رونمایی نشده توسط اتو فیرچو در زمانی که او در سال ۱۹۴۵ به سمت خاک بریتانیا در پرواز بود، از موزه مطالعات مصر در شرق برلین خریداری شد. آنها اکنون در موزه بریتانیا هستند.

کتاب زبور که توسط دلان مصری به چند بخش تقسیم شده بود، شامل نسخه خطی B در کتابخانه چستریتی^۶ و پی برول ۱۵۹۹۵ در برلین (۱۵۶ برگ رونمایی شده و قطعه کتاب حفاظت شده‌ای که شامل حداکثر ۱۲۰ برگ رونمایی نشده است). اگرچه چندین محقق روی این نسخه‌های خطی که به شکل ناصحیحی نگهداری شده‌اند، یک سری مطالعاتی را انجام دادند (مثل بولیگ، کارستن کالپ، رایینسون و همکارانش) اما تنها برخی از عناوین و یادداشت‌های این بخش منطبق با ساختار علم مطالعه نسخ خطی چاپ شده است.^۷

دو مجموعه از کفالایا به جای اینکه به تشابهاتشان در عنوان و جزئیات دیگر پرداخته شود، شناسایی و توصیف آنها بر مبنای اختلافات مهمی که با هم دارند، صورت می‌گیرد. بزرگ‌ترین بخش یکی از این مجموعه‌ها در برلین نگهداری می‌شود.^۸ بعد از ۱۹۴۵ برخی برگه‌های چاپ نشده در ورشو پدیدار شد و صفحات ۳۱۱ تا ۳۳۰، که از قطعه برلین حذف شده بودند، توسط آدلف گرومان در مصر خریداری شدند

1. 1986a; 1988c; 1988a; 1988b.
2. 1982.
3. Codex A, Chester Beatty Library, 578 pp.
4. Giverdon 1988a; 172 folios.
5. Giversen, 1986, pp. 375ff; idem, 1988d, pp. 269ff.; Krause.
6. Thirteen mounted leaves; facsimile edition, Giversen, 1986c, pp. 101-26.
7. Mirecki, 1988; idem, forthcoming; king.
8. P. Berol, 15996; more than 472 pages, partially published with German translation; Polotsky {pp. 1-102} and Bohling [PP.103-292]; Bohling, 1966 idem 1989a, pp. 638ff.

و وین در کتابخانه ملی نگهداری می‌شوند.^۱ نسخه خطی دوم در کتابخانه چستر بییتی^۲ شامل سرفصل‌های ثابت یا این عنوان است: کفالا یا خرد خدای من، مانی. فقط بخش کوچک‌تر از مجموعه مواعظ (نسخه خطی D، کتابخانه چستر بییتی) اخیراً چاپ شده و به زبان آلمانی ترجمه شده است،^۳ بخش بزرگتر آن (پی. برول ۱۵۹۹۹) توسط محققین قبل از جنگ جهانی دوم غیر قابل بازگشایی تشخیص داده شده و به عنوان یک قطعه نمایشگاهی استفاده می‌شود (و با عنوان «کلاه گیس» شناخته می‌شود).

تصویری از نسخه خطی کتاب اعمال (پی. برول. ۱۵۹۹۷) با جلد سالم آن در سال ۱۹۳۳ چاپ شد،^۴ اما فقط هفت یا هشت برگه از آن تا سال ۱۹۴۵ احیا شد. در هر صورت یکی از آن‌ها به ورشو و دیگری به دوبلین ختم شد.^۵ آخرین نسخه خطی شامل مجموعه‌ای از نامه‌های مانی می‌شود (پی. برول ۱۵۹۹۸). جمعاً می‌دانیم که بین ۲۶ تا ۳۴ برگ احیا شدند که ۳ عدد از آنها در ورشو هستند.

۲- کشفیات اخیر:

در سه فصل اولیه حفاری‌ها (۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸) که توسط کلین هوپ انجام می‌شد (۱۹۸۸، همان ۱۹۹۰)، اتحاد استرالیایی‌ها، کانادایی‌ها، و پروژه واحد انگلیسی داکلا، همه تحت هدایت کامل آنتونی جی. میلز تعدادی از متون مسیحی بشارت‌دهنده و کلاسیک یونانی را کشف کردند که متن ایزوکراتس خطیب را هم شامل می‌شود (۴۳۶ تا ۳۳۸ ق م) در طول فصل چهارم^۶ منزل سوم در کلیس کشف شد و آن شامل بیش از ۳۰۰۰ پاپيروس و قطعات دیگری می‌شود که در بین آن‌ها اسناد مانوی قرن چهارم به خط سریانی (روی پاپيروس و پوست) و یک تابلوی دو زبانه قبطی-سریانی وجود دارد که یک متن جبرگرایانه پُر اهمیت است (دیویت ۱۹۹۱)، بعلاوه چندین قطعه از یک نسخه خطی منقش (مقایسه شود با یک نسخه خطی مانی در کلن) و دو نسخه خطی ساخته شده از تخته‌های چوبی (از اتا قک ۴) که

1. K 11010A-H; cf Gardner; 1988, I, pp.53-55.
2. Codex C,354pp. ; facsimile edition, Giversen, 1986b.
3. Polotsky; facsimile edition, Giversen, 1986c, pp.1-98.
4. Schmidt and Polotsky, pl. 2.
5. Ed. Giversen, 1986c, pp. viii-ix, pls. 99-100.
6. January-February 1991; Hope, 1991; Jenkins, 1991.

سرودها و مزامیری از نمونه‌های شناخته‌شده و یا ناشناخته را هم شامل می‌شد. انتشار این مجموعه مهم اعلان شده‌است (الکوک و دیگران).

۳- خط سیر پژوهش‌ها:

به خاطر طبیعت این متون، هر گروه از منابع (قبطی، یونانی، ایرانی، ایغوری، و غیره) اهمیت خاصی در مطالعات مانوی دارد. قطعات شرح و تفسیری که در نسخه خطی زبور گنجانده شده‌است، دیدی اجمالی از کارهای شرعی به ما می‌دهد که می‌تواند جاهای خالی یا آسیب‌دیده انجیل زنده مانوی را پر کند^۱ و شاید سرانجام بیوندی بین متون مشابه آسیای مرکزی برقرار شود. مزامیر به علت تعداد و هم به علت کیفیت ادبی، منحصر به فرد هستند. ارتباط با طریقه مندالیه را هم باید لحاظ کرد چرا که تطبیق آن‌ها با مزامیر ایرانی مفید خواهد بود. بخصوص مزامیر توماس که محور مطالعه است.^۲ از طرف دیگر با مشخص شدن نکات زیادی در اسناد تورفان، کفالایا گزیده‌های تعلیمی صحیحی را در اختیار ما قرار می‌دهد (برای مثال زیارتگاه، شناخت واژه‌های تکنیکی، پیشینه مانوی و ارتباط با رساله‌های ایرانی و چینی). نسخه خطی کفالایای دوبلین به شکل خاصی بشارت‌دهنده است زیرا شامل ارجاعاتی به سنت‌های مانویان شرق ماست. همچنین اسناد قبطی که به دلیل مطالعه مسیحیان مانوی مهم هستند^۳ موعظه‌ها نه تنها به زیبایی در هنگام سوگواری خوانده می‌شدند، بلکه حامل اطلاعاتی از رویدادهای تاریخی هستند که مرتبط با پایان غم‌انگیز زندگی مانوی و آغاز تاریخ نهاد دینی روحانیت است.^۴ یک اختلاف عمده منابع آسیای مرکزی این است که به نظر می‌رسد در دین مانوی قبطی مراسم اعتراف وجود ندارد. تنها برگ به چاپ رسیده از این نامه‌ها و کفالایای دوبلین هم حکایت از علاقه زیاد به ایران‌شناسی دارد زیرا چنین اسماء و مشاغلی را در بر می‌گیرد.^۵ ارتباطات و مبادلات بین جوامع مانوی و مسیحیت اولیه در مصر هنوز خیلی زیاد مورد تردید است (استرومزا). نهایتاً مقایسه تکنیکی واژه‌شناسی مانوی با آنچه که در ویرایش‌های انتقادی متون کلاسیک می‌بینیم، هر دو به عنوان بخشی از واژه‌نامه الفاظ و مفاهیم مانوی تحت عنوان پروژه تحقیقاتی بین‌المللی مانویت مطرح شدند تا به یک تفسیر فخری از

1. Bohlig, 1968, pp. 185, 222ff.

2. Adam; Kasser; 1991; Krause; Miraki; 1991; Nagel; Oerter; Richter; Save-Soderberg; Segelberg; Wurst.

3. See Christianity v: Gardner, 1991; Helderman.

4. Sanderman, 1986; idem, 1987.

5. Cf. Tardiau, 1988; Funk, 1990.

مانویت به عنوان یک سیستم گنوستیک برسیم.^۱ در این بین زبان‌شناسی و به ویژه گویش‌شناسی، همچنین تحقیق و انتشار متون بایگانی‌شده (کپی‌هایی که متن اصلی آنها مفقود یا تخریب شده‌اند و در بایگانی قبلی آکادمی پری پاسیچا در وسین چافتن در برلین است) لازم می‌نماید. قطعات دو زبانه یا سه زبانه از کلیس موجب روشن شدن اصالت این متون و تکنیک‌های ترجمه شد.

بعد از انتشار اولیه متون قبطی در دهه ۱۹۳۰، جنگ جهانی دوم، کشف متعاقب متون گنوسیگ ناگ حمدی در مصر، توجه همه معطوف آنها شده بود تا اینکه گیورسن ویرایش رونوشت متون دوبلین را در دهه ۱۹۸۰ برعهده گرفت. انتظار می‌رفت که ویرایش‌های منتقدانه متن، ترجمه‌ها و تفاسیر این متون در دهه ۱۹۹۰ تحت نظارت کمیته بین‌المللی چاپ پایروس‌های قبطی مانوی به کتابخانه چستر بییتی صورت بگیرد. کتابخانه‌ای که توسط گیورسن (دانمارکی)، رادلف کاسر (سوئیدی) و مارتین کرایوس (آلمانی) گردانده می‌شد. همچنین پیش‌بینی می‌شد که یک ویرایش از اسناد قبطی برلین هم تحت مدیریت رابین سن صورت بگیرد. لازم است برای کتاب‌شناسی و اطلاعات جاری مانوی در انجمن بین‌المللی مطالعات مانوی، مقالات خبرنامه مطالعات مانوی ۱۹۸۸ که توسط آویس ون تونگرلو نشر داده شده است، مورد مشاهده و هم‌فکری قرار بگیرد.

منابع و مأخذ:

- A. Alcock et al., eds., *Texts from Three Houses in Kellis*, Discoveries in the Dakhleh Oasis, Series I, Kellis IV, forthcoming.
- A. Adam, *Die Psalmen des Thomas und das Perlenlied als Zeugnisse vorchristlicher Gnosis*, Berlin, 1959.
- C. R. C. Allberry, *Manichaean Manuscripts in the Chester Beatty Collection II. A Manichaean Psalm-Book, Part II*, Stuttgart, 1938.
- W. Beltz, "Katalog der koptischen Handschriften der Papyrus-Sammlung der Staatlichen Museen zu Berlin," *Archiv für Papyrusforschung* 26, 1978, pp. 57-119; 27, 1980, pp. 121-222.
- A. Böhlig, *Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin I. Kephalaia II (Lieferung 11-12)*, Stuttgart, 1966.
- Idem, *Mysterion und Wahrheit*, Leiden, 1968.
- Idem, *Gnosis und Synkretismus. Gesammelte Aufsätze zur spätantiken Religionsgeschichte*, 2 vols., Wissenschaftliche Untersuchungen zum Neuen Testament 47-48, Tübingen, 1989a.

1. Rudolph; Rise, 1975-76.

- Idem, "Neue Initiativen zur Erschliessung der koptisch-manichäischen Bibliothek von Medinet Madi," *Zeitschrift für die neutestamentliche Wissenschaft* 80, 1989b, pp. 240-62.
- L. Depuydt, "A Manichaean Bilingual in Coptic and Syriac," *International Symposium on the Manichaean Noûs*, Acta, Leuven, August 1991, forthcoming.
- W. P. Funk, "How Closely Related Are the Subakhmimic Dialects?" *Zeitschrift für ägyptische Sprache and Altertumskunde* 112, 1985, pp. 124-39.
- Idem, "Zur Faksimileausgabe der koptischen Manichaica in der Chester-Beatty-Sammlung I," *Orientalia* 59, 1990, pp. 524-41.
- I. Gardner, *Coptic Theological Papyri* II, 2 vols., Mitteilungen aus der Papyrussammlung der Österreichischen Nationalbibliothek, N.F. 21, Vienna, 1988.
- Idem, "The Manichaean account of Jesus and the Passion of the Living Soul," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 71-86.
- S. Giversen, "The Inedited Chester Beatty Mani Texts," in L. Cirillo and A. Roselli, eds., *Codex Manichaicus Coloniensis. Atti del Simposio Internazionale (Rende-Amantea 3-7 settembre 1984)*, Cosenza, 1986a, pp. 371-80.
- Idem, *The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library I. Kephalaia*, Cahiers d'orientalisme 14, Geneva, 1986b.
- Idem, *The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library II. Homilies and Varia*, Cahiers d'orientalisme 15, Geneva, 1986c.
- Idem, *The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library III. Psalm Book, Part 1*, Cahiers d'orientalisme 16, Geneva, 1988a.
- Idem, *The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library IV. Psalm Book, Part 2*, Cahiers d'orientalisme 17, Geneva, 1988b.
- Idem, "The Manichaean Papyri in the Chester Beatty Library," *Proceedings of the Irish Biblical Association* 11, 1988c, pp. 1-22.
- Idem, "The Manichaean Texts from the Chester Beatty Collection," in P. Bryder, ed., *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund Studies in African and Asian Religions 1, Lund, 1988d, pp. 265-72.
- J. Helderman, "Zum Doketismus und zur Inkarnation im Manichäismus," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 101-23.

- C. A. Hope, "Three Seasons of Excavations at Ismant el-Gharab in Dakhleh Oasis, Egypt," *Mediterranean Archaeology* 1, 1988, pp. 160-78.
- Idem, "Excavations at Ismant el-Kharab in the Dakhleh Oasis," *The Bulletin of the Australian Centre for Egyptology* 1, 1990, pp. 42-54.
- Idem, "The 1991 Excavations at Ismant el-Kharab in the Dakhleh Oasis," *The Bulletin of the Australian Centre for Egyptology* 2, 1991, pp. 41-50.
- R. Ibscher, "Wiederaufnahme und neuester Stand der Konservierung der Manichäischen Papyrus-codices," *Proceedings of the Twenty-Third International Congress of Orientalists, Cambridge 21st-28th August 1954*, London, 1956, pp. 359-60.
- Idem, "Der Mani-Fund," *Akten des 24sten Internationalen Orientalisten-Kongresses, München 1957*, Wiesbaden, 1959, p. 227.
- Idem, "Über den Stand der Umkonservierung der Manipapyri," *Koptologische Studien in der DDR, Wissenschaftliche Zeitschrift der Martin-Luther-Universität Halle, Sonderheft*, 1965, pp. 50-64.
- Idem, "Mani und sein Ende," *Atti dell' XI Congresso Internazionale di Papirologia, Milano 2-8 Settembre 1965*, Milan, 1966.
- G. Jenkins, "Communication on the Discoveries in the Dakhleh Oasis," *International Symposium on the Manichaean Noûs, Leuven, August 1991, Acta*, forthcoming.
- R. Kasser, "Orthographie et phonologie de la variété subdialectale lycopolitaine," *Le Muséon* 97, 1984, pp. 261-312.
- Idem, "Le premier chant de Thôm, perle de l'hymnologie manichéenne," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 141-48.
- Idem, "Originalité du vocabulaire copto-grec des "Képhalaia" manichéens de Berlin," *Copenhagen Symposium on Hellenistic Gnosticism* (Copenhagen, June 1990), *Acta*, forthcoming.
- K. King, "A Progress Report on the Editing of the Manichaean Synaxeis Codex," in M. Rassart-Debergh and J. Ries, eds., *Actes du IV^e Congrès Copte II*, Publications de l'Institut Orientaliste de Louvain 41, Louvain-la-Neuve, 1992, pp. 281-88.
- M. Krause, "Zum Aufbau des koptisch-manichäischen Psalmenbuches," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 177-90.
- P. A. Mirecki, "The Coptic Manichaean Synaxeis Codex," in P. Bryder, ed., *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund Studies in African and Asian Religions 1, Lund, 1988, pp. 135-45.

- Idem, "Coptic Manichaean Psalm 278 and Gospel of Thomas 37," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 243-62.
- Idem, "A Model for the Codicological Reconstruction of the Coptic Manichaean Synaxeis Codex," *International Mani-Symposium* (Bonn, August 1989), *Acta*, forthcoming.
- P. Nagel, *Die Thomaspsalmen des koptischmanichäischen Psalmenbuches*, Berlin, 1980.
- W. Oerter, *Die Thomaspsalmen des manichäischen Psalters*, Ph.D. diss., Leipzig, 1975.
- H. J. Polotsky, *Manichäische Handschriften der Sammlung A. Chester Beatty I. Manichäische Homilien*, Stuttgart, 1934.
- Idem and A. Böhlig, *Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin I. Kephalaia I. Hälfte (Lieferung 1-10)*, Stuttgart, 1940.
- S. Richter, "Ein manichäischer Bittpsalm," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 299-306.
- J. Ries, "Le dialogue gnostique du salut dans les textes manichéens coptes," *Orientalia Lovaniensia Periodica* 6-7, 1975-76, pp. 509-20.
- Idem, *Les études manichéennes*, Collection Cerfaux-Lefort 1, Louvain-la-Neuve, 1988.
- J. M. Robinson, "The Fate of the Manichaean Codices of Medinet Madi 1929-1989," *International Mani-Symposium* (Bonn, August 1989), *Acta*, forthcoming.
- K. Rudolph, "Mani und die Gnosis," in P. Bryder, ed., *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund Studies in African and Asian Religions 1, Lund, 1988, pp. 191-200.
- T. Säve-Söderberg, *Studies in the Coptic Manichaean Psalm-Book*, Uppsala, 1949.
- C. Schmidt and H. J. Polotsky (with a contribution by H. Ibscher), "Ein Mani-Fund in Ägypten. Originalschriften des Mani und seine Schüler," *SPAW* 1933, pp. 4-90.
- E. Segelberg, "Syncretism at Work. On the Origin of Some Manichaean Psalms," in B. Pearson, ed., *Religious Syncretism in Antiquity*, Santa Barbara, Calif., 1975, pp. 191-203.
- G. G. Stroumsa, "The Manichaean Challenge to Egyptian Christianity," in B. Pearson and J. Goehring, eds., *The Roots of Egyptian Christianity*, Studies in Antiquity and Christianity 1, Philadelphia, 1986, pp. 307-19.
- W. Sundermann, "Kirchengeschichtliche Literatur der iranischen Manichäer," *AoF* 13, 1986, pp. 40-92, 239-317; 14, 1987, pp. 41-107.

- Idem, "Iranische Kephalaiaitexte?" *International Mani-Symposium* (Bonn, August 1989), *Acta*, forthcoming. M. Tardieu, "Les manichéens en Egypte," *Bulletin de la Société Française d'Égyptologie* 94, 1982, pp. 5-19.
- Idem, "La diffusion du Bouddhisme dans l'Empire Kouchan, l'Iran et la Chine, d'après un Kephalaion inédit," *Stud. Ir.* 17, 1988, pp. 153-82.
- A. van Tongerloo, "Manichaeism in Recent Studies," *Ephemerides Theologicae Lovanienses* 67, 1991, pp. 204-12.
- G. Wurst, "Bema-psalm 223," in A. van Tongerloo and S. Giversen, eds., *Manichaica Selecta*, Manichaean Studies 1, Leuven and Lund, 1991, pp. 391-99.

۲. نسخه‌های خطی مانوی کلن^۱

نسخه‌های خطی مانوی کلن^۲ مجموعه‌ای است از قطعات نسخ خطی روی پوست در ابعاد یک قوطی کبریت که شامل یک بخش از زندگی و تعلیمات مانی است و در سال ۱۹۶۹ در نقطه نامشخصی از منطقه آسیوط (لیکوپولیس) در قسمت شمالی مصر کشف شدند.^۳ این نسخه تا به امروز کوچکترین نسخه خطی قدیمی است. نسخه خطی قدیمی در همان سال کشف به تصرف مؤسسه آلتروتومسکونده در دانشگاه کلن در آمد. تلاش ظاهراً مایوس‌کننده ترمیم متون خطی چند ماه بعد توسط ای. فاکلمن در وین به شکل موفقیت‌آمیزی انجام پذیرفت. آنچه بدست آمد اولین کار مانوی به جای مانده اصلی بود که به زبان یونانی نوشته شده بود.^۴ کار بازسازی شده شامل قطعاتی از ۹۶ برگ از یک نسخه خطی به ابعاد ۵/۸×۳ سانتیمتر و حتی چند قطعه کوچکتر دیگر می‌شد. به خاطر اینکه صفحات آغازین و پایانی از بین رفته‌اند، تعداد اصلی اوراق این دست‌نویس دیگر قابل تخمین زدن نیست. هر صفحه شامل یک ستون نوشته به طول ۲۳ خط است که در یک نوبت نوشته شده است ولی کاملاً خوانا نیست.

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

Sundermann, Werner. "COLOGNE MANI CODEX," *Encyclopædia Iranica*, VI/1, pp. 43-46, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/cologne-mani-codex-parchment>

2. Codex Manichaicus Coloniensis

3. Koenen, 1973, pp. 240-41.

4. See HENRICH, 1979A, PP. 342-51.

۱- طبع و نشر:

گزارش اولیه این کار در سال ۱۹۷۰ توسط آلبرت هنریکس و لودویگ کونن منتشر شد و پس از آن اولین ویرایش متن بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ به انجام رسید. از آن زمان تصحیحات و قرائت‌های دیگری که اساساً در «مجله پایپروس‌شناسی و کتیبه‌شناسی»^۱ و به خصوص توسط رینولد مرکل باخ انجام می‌شد به چاپ می‌رسید.^۲ کونن و کورنلیا رومر کارشان را روی این نسخه خطی ادامه دادند، ویرایش کپی آنها با استنساخ یک رونوشت در سال ۱۹۸۵ پدید آمد. تحقیق روی این متن نشان داد که تعدادی از نمونه‌های این قطعات را می‌توان برای تشکیل متنی بلندتر سر هم کرد.^۳ این کشف منجر به چاپ دومین ویرایش از نسخه خطی کامل در سال ۱۹۸۸ شد. اگرچه این قسمت از یادداشت‌ها در صفحات ۱۲۱-۱۹۲ نسخه خطی و واژه‌نامه‌ای از کل ویرایش هنوز به اتمام نرسیده ولیکن یک فهرست واژه از اولین ویرایش در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسیده است^۴ که به خاطر اهمیت زیاد این نسخه خطی بلافاصله موضوع تحقیق محققان مانوی‌شناسی شد. جدای از مقالات تحلیلی که حاصل تلاش ویرایشگران بود، نشست‌هایی که در شهرهای رنده (کالاریا) و کوزنزا به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ انجام شد، کاملاً موقوف به این نسخه خطی بود. مقالاتی که در اولین نشست ارائه شده در سال ۱۹۸۶ توسط لوچی سریلو و آمتریس روزنلی منتشر شد و آن مقالاتی که متعلق به دومین نشست بود توسط سریلو به چاپ رسید.

۲- محتوا:

این نسخه خطی مندرس که در کلن نگهداری می‌شود، با جوانی مانی و آغاز مأموریت او سر و کار دارد. به علت آسیب زیادی که به این اوراق، مخصوصاً در آخرین فصل آن وارد شده، گاه حتی اولین پیوندهای منطقی متن هم از بین رفته است. در هر حال گزارش معرفی مانی به فرقة باپتیست الکسیبت (صفحه ۱۱) اولین ملاقات قابل تأیید زندگی اوست. مانی در دوران کودکی با فرشتگان نگهبان و قدرت‌های مقدس همراه می‌شود، او رویاهای فوق‌العاده‌ای را که هنوز مفهوم آنها را نمی‌فهمیده، تجربه می‌کند. پایان این دوره نشانه‌های بلوغ و تکامل در وجود مانی به ظهور می‌رسد. تحریرگران زندگی مانی این نبوغ را

1. Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik

2. For a list of contributions, see Koenen and Romer; 1988, p. xxix n. 50.

3. Koenen and romer, 1985b, pp. 47-54.

4. Cirillo, Concolino, Mancino, and Roselli.

در ۲۵ سالگی و حتی زودتر، یعنی در پایان ۱۲ سالگی دانسته‌اند.^۱ ملاقات مشخص بعدی با دوست و همزاد روحی او سروش (Syzygo) بوده است که برای دریافت تعالیم در سال ۱۲۵م زندگی او رخ داده (صفحات ۱۷ و ۱۸). از آن زمان به بعد شرح زندگی مانی شامل جزئیات بیشتری می‌شود که فعالیت‌های آموزشی، مناقشات او با فرقهٔ باپتیست، شکست او در مناظره و در نهایت جدا شدن از آن‌ها را در بر می‌گیرد. این بخش که اصلی‌ترین قسمت باقی‌مانده از متن است (صفحات ۱۴ تا ۱۱۴) شامل مواظظ تحلیل‌گرایانه و نادمانه نیز هست (برای مثال حقیقت شواهد فارقلیط نزد وحی و درک شایسته از بازگشت مانی). آخرین فصل باقی‌مانده (صفحات ۱۱۴ تا ۱۹۲) آغاز مأموریت جهانی مانی را در اصطلاحات روایی و داستانی پوشش می‌دهد. رخدادهای محسوسی که در این بخش آمده است مثل تغییر کیش پاتیکس، پدر مانی (صفحات ۱۱۸ تا ۱۲۰)، که گفته شده در بندرگاه جنوبی بین‌النهرین از فرات تا خلیج فارس^۲ بوده و مشابه این خبر را از گنزک ماد^۳ داریم. این تحریرگران تاریخ ظهور مانی را در کاخ شاهنشاه ساسانی، شاپور یکم،^۴ مصادف با بیست و شش سالگی مانی می‌دانند.

این اثر عنوان پیچیده‌ای «*peri tes genes tou somatos autou*» (در اصل بدنهٔ متن) دارد که کونن از دیدگاه پائولین به عنوان مرجعی برای درک کلیسای مانی، پیکرهٔ عارفانه او، به تفسیر و تحلیل آن پرداخت.^۵ همچنین این نسخه مثل بخشی از تاریخ جامع کلیسا، تلقی تملق‌آمیزی از مانی است و بنابراین از اینجا به بعد کونن از این برداشت تملق‌آمیز پا پس می‌کشد. چنانچه در موارد بسیاری هم واژهٔ یونانی پیکر *soma* دقیقاً به جسم مانی دلالت می‌نماید و بنابراین کاربرد این واژه به شخصیت زمینی مؤسس این آیین محدود می‌شود.^۶ بنابراین تصور می‌شود که این عنوان به باور مانویان در مورد یک مانی غیر مادی دلالت می‌کند که موقتاً در جسم زمینی او محصور شده است.

۳- فرم و منشأ:

1. Henrichs and Koenen, 1975, p. 15n. 25; for a different opinion, see Sundermann, 1975, pp. 205-14.
2. Pp140 l.4, 144 l.4.
3. GK. Gounzakak, Ganazak; p. 121 ll, 8, 12.
4. Ca.240-70 c.e.,;pp. 163-64: see below.
5. 1978, pp. 164-66.
6. Koenen and Romer; 1988, pp. xv n.2, 51 n 2.

نسخه خطی کلن به بخش‌هایی تقسیم شده است که هر کدام با یک نام یا ساده‌تر بگوییم با نام آموزگاران^۱ شروع شده، تحریرگران نسخ این افراد را انتقال‌دهندگان متون می‌دانند که در ادامه شرح داده خواهد شد.^۲ بنابراین این اثر از روی یک متن قدیمی‌تر تألیف شده است. همانطور که از اسم برخی از این فرستندگان^۳ برمی‌آید، معلوم است که ایشان از هم‌نشینان و جانشینان مانوی بوده‌اند. بعلاوه منابع هم باید مربوط به قرن سوم باشند ولی در آغاز قرن چهارم به صورت متن یکپارچه این نسخه خطی در آمده است. اینکه احتمالاً متن در آغاز به زبان آرامی شرقی (سریانی) نوشته شده بوده مورد تأکید برخی چهره‌های زبان‌شناسی است.^۴ انتقال‌دهندگان مرتباً از واژه‌ها و نوشته‌های خود مانوی استفاده کرده‌اند،^۵ برای مثال در نامه او به ادسا.^۶ در اوایل اثر «تعلیمات زنده مانوی»^۷ این گفته دقیقاً تأکید می‌شود.^۸ تاریخ دست‌نوشته ترجمه یونانی بر اساس شواهد خطوط باستانی به قرن پنجم می‌رسد،^۹ این زبان مشخصات پساکلاسیک زیادی را به نمایش می‌گذارد و از طرز بیان قدیمی‌ترین نسخه عهد عتیق، سپتوجنت و کتاب عهد جدید مسیحیان پیروی می‌کند.^{۱۰}

منابع، موضوعات و اجزای تشکیل‌دهنده این متن توسط هنریکس با استفاده از روش‌های نقد ادبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، اما تاکنون کارکرد ادبی این متن به خودی خود مورد مطالعه قرار نگرفته است. محتوا و طبیعت این اثر نشان می‌دهد که متن متعلق به ژانری است که خوانندگان و شنوندگان زیادی را مخاطب خود ساخته است. از طرف دیگر در سنت مانویان شرقی کارهای ادبی از این قسم شناخته شده نیست.

1. E.g., Abiesous, Ana, Innaios, Koustaïos, Timotheos.
2. Henrichs and Koenen, 1970, pp. 110-14.
3. Innaios, Koustaïos.
4. Henrichs and Koenen, 1970, pp. 104-05; Henrichs, 1979a, pp. 352-53.
5. Henrichs and Koenen, 1970, p. 112.
6. pp. 64 l. 1 to 65 l. 22.
7. pp. 66 l. 4-68 l. 5.
8. Henrichs and Koenen, 1970, pp. 192-96.
9. Henrichs and Koenen, 1970, p. 100.
10. Henrichs, 1970a, p. 353; Koenen and Romer, 1988, p. xxv.

اگرچه متون دیگری هم با مضامین تملق‌آمیز مشابه وجود دارد، ولی اینکه نمونه‌های دیگری وجود داشته باشد که در آن ارسال پیروان در شرحی تملق‌آمیز، منسجم و پیوسته گرد آمده باشد، جای تردید دارد.^۱ هرچند در غرب آن اثر موسوم به «تاریخ کلیسای قبطی» که در مدینهٔ ماضی در مصر پیدا شد و اکنون مفقود شده است، خیلی شبیه بود. همین‌طور گزارش‌هایی که تحت نام نویسندگان داده شده بود^۲ به خاطر اینکه کارهای اخیر با مرگ مانی و متعاقباً با سرنوشت کلیسا مربوط می‌شود، می‌تواند به شکلی هدایت شود که هر دو تألیف قسمت‌هایی از یک تاریخ جامع‌تری از کلیسای مانوی به آرامی، یونانی و قبطی باشند و اولین بخش آن در نسخهٔ خطی مانوی کلن حفظ شود.

۴- اهمیت تحقیق در مانویت:

روایتی که در نسخهٔ خطی مانوی کلن آمده است از اجتماعات تملق‌آمیزی پیروی می‌کند که در بسیاری از مکان‌ها بر اساس الگوی زندگی مسیح شکل گرفته و آمیخته‌ای از موضوعات عامه‌پسند است^۳ اما موضوعات تاریخی را هم در بر می‌گیرد که برای پژوهش‌های مانوی‌شناسی بیشترین اهمیت را دارند. در این متن ادعا شده است که مانی در اجتماعی یهودی- مسیحی که اکاسای موسس آن محسوب می‌شد، بزرگ شده است. آنچه از قبل در مورد این چهرهٔ افسانه‌ای می‌دانستیم اغلب با اعمال معمول بانپیست‌هایی که مانی می‌شناخت (مثل امتناع از ازدواج)، هم‌خوانی نداشت. با دفاع از این بانپیست‌ها به‌عنوان الکسانیت‌ها معبد مورد تردید قرار گرفت.^۴ بیشتر محققین گواهی نسخهٔ خطی مانوی کلن را همچنان معتبر می‌دانند به شرط اینکه تعالیم بنیانگذار فرقه به گونه‌ای باشد که بتواند اعمال واقعی پیروانش را اصلاح کند.^۵

اینکه اکلاسی در سنت مانوی شناخته شده بود و اینکه او احتمالاً با ملتزمین خودش به عنوان طرفداران اولیه دیدگاه‌های مانی اختلاف‌نظرهایی البته غیر تاریخی پیدا کرده‌بود، قطعی است. این مسئله که با مراجعه به الکاسای در یک قطعهٔ مانوی پارتی تأیید می‌شود، در روایت‌های قدیمی‌تر متداول، قابل

1. Sundermann, 1986, pp. 88-91.
2. Schmidt and Polotsky, 1933, pp. 28-29.
3. Henrichs, 1979b, pp. 92-95, 97-103.
4. Luttikhuisen, esp. pp. 25-37, 153-64, 220-22.
5. Henrichs and Koenen, 1970, pp. 141-60; Merkelbach; for other sources, see Koenen and Romer, 1988, p. xvii n. 12.

ردیابی است.^۱ یک متن عربی قرن دهم هم این موضوع را تأیید می‌کند.^۲ متنی که از al-H-s-y-h بنیانگذار فرقه مغتسله، یک فرقه باپتیست جنوب بین‌النهرین که با مانویان مرتبط بوده، به دست آمده است. اگرچه دلیلی وجود ندارد که به ادعای نسخه خطی مانوی کلن مبنی بر اینکه مانی پیش از آنکه محصول جامعه مغتسله باشد، رشد یافته جامعه شرقی مسیحی است، شک کنیم.^۳ مسئله‌ای که برای فهم پیشینه عقیدتی و مذهبی مانی بسیار اهمیت دارد، اولین معلمان اعضای یک فرقه قطعاً ضد مسیحی و تحت تأثیر شدید ایرانیان نبودند، بلکه پیرو مسلکی یهودی-مسیحی بودند که به تأثیر تشریفات مذهبی و غسل تعمید معتقد بودند. عقاید گنوستیکی در این تعلیمات جدید به اختلافات مانی با معلمانش دامن زد.^۴ به راستی تعلیمات مانی در اصل و اساس آن چیزی بود که مسیحیان ارتدکس قرون وسطی آن را یک ارتداد مسیحی می‌نامیدند.

نسخه خطی مانوی کلن یک متن متعصبانه نیست. موضوعات آن متأثر از یک عقیده دینی پیشرفته است. بنابراین آرزوی کشف تعلیمات این متن مانی به شکل ریشه‌ای جدای از هستی‌شناسی ثنوی بعدی هنوز محقق نشده است.^۵ در حقیقت بارها در این نسخه خطی از آفرینش ثنوی سخن به میان آمده است.^۶

۵-اهمیت مطالعات ایرانی:

از دیدگاه مطالعات ایرانی مهم‌ترین عنصر در این نسخه خطی تقارن زمانی است که از گزارشات ۲۵ سالگی مانی استخراج می‌شود: «[وقتی که من] ۲۴ ساله بودم، سالی که اردشیر شاه پارس، شهر هترا را تحت انقیاد خودش در آورد و پسرش شاپور را برای پادشاهی آنجا برگزید در روز هشتم ماه فارموتی بر طبق تاریخ قمری [به عبارت دیگر در ۱۷ یا ۱۸ آوریل سال ۲۴۰ با احتساب غروب روز اول تا دوم]».^۷

1. Sundermann, 1981, p. 19 l. 26.

2. Ebn al-Nadim, ed. Flugel, I, p. 340 ll. 25-30, II, p. 177; tr. Dodge, II, p. 811.

3. Rudolph, 1974, pp. 476-77, 482.

4. Koenen, 1981, pp. 736-56.

5. Stroumsa, pp. 143-44.

6. e.g., three times on p. 132 ll. 13-16.

7. Koenen and Romer, 1988, pp. 10-11; Henrichs and Koenen, 1975, pp. 20-21, 79 n.

44: April 18-19.

ماری لوئیس شومون^۱ مشاهده کرد که واژه *diádēma mégiston* (بر تخت نشستن) با لغت *LB dydymy* در کتیبه پاپکولی مشابه است. دلیل ندارد که با وجود اینکه مسلم است که مانی به خوبی در جریان رویدادهای زمان خودش بوده است، تردید کنیم در اینکه این الفاظ از خود او نبوده باشد. هنریکس و کونان (۱۹۷۰، ص ۱۲۶) گفته اند که این ارجاع بیش از آنکه به زمان شاپور اول برگردد، به موقع تسخیر هترا توسط اردشیر شبیه است. همچنین تئودور نلدکه^۲ و حسن تقی زاده، گاهشماری باستان را با سلطنت اردشیر انطباق داده اند. با وجود این هر دو اذعان کرده اند که هر دو تاریخ اوایل (۲۹۳ م) و اواخر (۲۴۱) برای آغاز پادشاهی رسمی شاپور یکم محتمل است.^۳ اگرچه تصور می کنند که احتمال تاریخ اول بیشتر است.

بنابراین نسخه خطی مانوی کلن تحریرگران را بر آن داشت که تاریخ اول را (که مصادف بود با ۱۲ آوریل یا ۱ نisan سال ۲۴۰) برای تاج گذاری شاپور یکم به عنوان پادشاه ایران بپذیرند. باید دقت داشت که اصلاً در خود نسخه خطی تاریخی ذکر نشده است، اما از مجموع این گزارش در نسخه خطی کلن و گزارش ابن الندیم در مورد تاریخ اولین حضور عمومی و رسمی مانی به دست آمده است.^۴ در حقیقت گزارش های مربوط به حضور مانی در اول نisan و ندای او برای علنی کردن تعلیماتش در هشتم نisan با هم نمی خوانند. ممکن است که گردآوری گزارش ها توسط ابن الندیم بر مبنای تجسس های تاریخی متفاوت و به شکل غیر نقادانه صورت گرفته باشد.

روت آلتهايم-اشتيل بر اساس بررسی کتیبه ای از روی سنگ یادبود بیشاپور ادعای مهمی را مطرح کرد و آن تعیین تاریخ ۲۳۹ تا ۲۴۰ میلادی برای تاج گذاری شاپور یکم بود.^۵ فقط تاریخ های ۲۲۳ تا ۲۲۴ برای جلوس اردشیر و ۲۳۹ تا ۲۴۰ برای شاپور با دوره مذکور در سنگ یادبود و تاریخ های کتیبه هم خوانی دارد. از طرف دیگر از نسخه خطی مانوی کلن چنین بر می آید که تاریخ گذاری جدیدی که در مورد حکمرانی اردشیر داده است، صحیح نیست، زیرا او باید در آوریل ۲۴۰ تا آوریل ۲۴۱ زنده بوده باشد. پیشنهاداتی برای حل این مسئله دشوار ارائه شده است،^۶ اما امکان اختلاف در تاریخ «نشاندن آتش» (یا به عبارت دیگر تاج گذاری) دو شاه نخست ساسانی (به ترتیب در سال های ۲۲۳ تا ۲۲۴ و ۲۳۹ تا ۲۴۰) و

1. Reference from P. O. Skjoervo.

2. Geschichte der Perser, pp.400-34.

3. Henrichs and Koenen, 1970, pp.129-30.

4. Ed. Flugel, II, P. 327; tr. Dodge, II, p. 775; gf.; Henrichs and Koenen, 1970, p. 127.

5. 1978; cf. Haloun and Hening, p. 199 n.4.

6. For a summery; see Altheim – Stiehl, 1982.

سال‌های نخستین حکمرانی رسمی آن‌ها (۲۲۶ تا ۲۲۷ و ۲۴۱ تا ۲۴۲) را باید در نظر داشت. اگر واقعاً مانوی در سن ۲۶ سالگی (۲۴۱ تا ۲۴۲ مطابق با صفحه‌بازسازی شده ۱۶۲ این نسخه خطی) در قصر شاپور یکم که عزادار مرگ پدرش بوده است، حاضر شده باشد به این فرضیه قدیمی متواتر که مدعی است اردشیر در این سال از دنیا رفته بوده، اعتبار می‌بخشد.^۱

منابع و مأخذ:

- G. J. D. Aalders, "Einige zusätzliche Bemerkungen zum Kölner Mani-Kodex," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 34, 1979, pp. 27-30.
- R. Altheim-Stiehl, "Das früheste Datum der sassanidischen Geschichte, vermittelt durch die Zeitangabe der mittelpersisch-parthischen Inschrift aus Bīšāpūr," *AMI* 11, 1978, pp. 113-16.
- Idem, "Die Zeitangaben der mittelpersischen Dipinti in der einstigen Synagoge zu Dura-Europos," *Boreas* 5, 1982, pp. 152-59.
- U. Bianchi, "The Contribution of the Cologne Mani Codex to the Religio-Historical Study of Manichaeism," in *Papers in Honour of Professor Mary Boyce*, *Acta Iranica* 24, Leiden, 1985, pp. 15-24.
- J. Bremmer, "Marginalia Manichaica," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 39, 1980, pp. 29-34.
- R. Cameron and A. J. Dewey, *The Cologne Mani Codex "Concerning the Origin of His Body,"* Text and Translations 15, Early Christian Literature Series 3, 1979.
- M. L. Chaumont, "A propos de la chute de Hatra et du couronnement de Shapur I^{er}," *AAASH* 27, 1979, pp. 217-21.
- L. Cirillo, *Elchasaï e gli Elchasaïti. Un contributo alla storia delle comunità giudeo-cristiane*, Cosenza, 1984.
- Idem, ed., *Codex Manichaicus Coloniensis. Atti del Secondo Simposio Internazionale (Cosenza 27-28 maggio 1988)*, Cosenza, 1990.
- Idem, A. Concolino Mancino, and A. Roselli, *Codex Manichaicus Coloniensis. Concordanze*, Cosenza, 1985.
- L. Cirillo and A. Roselli, *Codex Manichaicus Coloniensis. Atti del Simposio Internazionale (Rende-Amantea 3-7 Settembre 1984)*, Cosenza, 1986.
- R. N. Frye "The Cologne Greek Codex about Mani," in *Ex Orbe Religionum. Studia Geo Widengren I*, Leiden, 1972, pp. 424-29.
- G. Haloun and W. B. Henning, "The Compendium of Doctrines and Styles of the Teaching of Mani, the Buddha of Light," *Asia Major*, n.s. 3/2, 1952, pp. 184-212.

1. Wiesehofer, p. 374.

- A. Henrichs, "Mani and the Babylonian Baptists. A Historical Confrontation," *Harvard Studies in Classical Philology* 77, 1973, pp. 23-59.
- Idem, "The Cologne Mani Codex Reconsidered," *Harvard Studies in Classical Philology* 83, 1979a, pp. 339-67.
- Idem, "'Thou Shalt Not Kill a Tree." Greek, Manichaean and Indian Tales," *Bulletin of the American Society of Papyrologists* 16, 1979b, pp. 85-108.
- Idem, "Literary Criticism of the Cologne Mani Codex," in B. Layton, ed., *The Rediscovery of Gnosticism II. Sethian Gnosticism*, Leiden, 1981, pp. 724-33.
- Idem and L. Koenen, "Ein griechischer Mani-Codex (P. Colon, inv. nr. 4780; vgl. Tafeln IV-VI)," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik*, 1970, pp. 97-216.
- Idem, "Der Kölner Mani-Kodex (P. Colon. inv. nr. 4780)," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 19, 1975, pp. 1-85 (ed. of pp. 1-72); 32, 1978, pp. 87-199 (ed. of pp. 72-99); 44, 1981, pp. 201-318 (ed. of pp. 99-120); 48, 1982, pp. 1-59 (ed. of pp. 121-92).
- A. F. J. Klijn and G. J. Reinink, "Elchasai and Mani," *Vigiliae Christianae* 28, 1974, pp. 277-89.
- R. Köbert, "Orientalistische Bemerkungen zum Kölner Mani-Codex," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 8, 1971, pp. 243-47.
- L. Koenen, "Das Datum der Offenbarung und Geburt Manis," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 8, 1971, pp. 247-50.
- Idem, "Zur Herkunft des Kölner Mani-Codex," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 11, 1973, pp. 240-41.
- Idem "Augustine and Manichaeism in Light of the Cologne Mani Codex," *Illinois Classical Studies* 3, 1978, pp. 154-95.
- Idem, "From Baptism to the Gnosis of Manichaeism," in B. Layton, ed., *The Rediscovery of Gnosticism II. Sethian Gnosticism*, Leiden, 1981, pp. 734-56.
- Idem, "Manichäische Mission und Klöster in Ägypten," *Das römisch-byzantinische Ägypten. Aegyptiaca Treverensia* 2, 1983, pp. 93-108.
- Idem and C. Römer, *Der Kölner Mani-Kodex. Abbildungen und diplomatischer Text*, Bonn, 1985a.
- Idem, "Neue Lesungen im Mani-Kodex," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 58, 1985b, pp. 47-54.
- Idem, "Neue Lesungen im Kölner Mani-Kodex," *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 66, 1986, pp. 265-68.
- Idem, *Der Kölner Mani-Kodex. Über das Werden seines Leibes. Kritische Edition aufgrund der von A. Henrichs und L. Koenen besorgten*

- Erstedition*, Abh. der Reinisch-Westfälischen Akademie der Wissenschaften, Special ser. Papyrologica Coloniensia 14, Opladen, Ger., 1988.
- G. P. Luttikhuisen, *The Revelation of Elchasai. Texte und Studien zum antiken Judentum* 8, Tübingen, 1985.
- R. Merkelbach, "Die Täufer, bei denen Mani aufwuchs," in P. Bryder, ed., *Manichaeism. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund, 1988, pp. 105-33.
- J. Ries, "Enfance et jeunesse de Mani à la lumière des documents récents," in A. Théodoridès et al., eds., *L'enfant dans les civilisations orientales*, Louvain, 1980, pp. 133-43.
- K. Rudolph, "Die Bedeutung des Kölner Mani-Codex für die Manichäismusforschung," in *Mélanges d'histoire des religions offerts à Henri-Charles Puech*, Vendôme, 1974, pp. 471-86.
- Idem, "Antike Baptisten. Zu den Überlieferungen über frühjüdische und -christliche Taufsekten," in *Sb. der Sächsischen Akademie der Wissenschaften zu Leipzig*, Phil.-hist. Kl. 121/4, 1981, pp. 1-37.
- C. Schmidt and H.J. Polotsky, "Ein Mani-Fund in Ägypten. Originalschriften des Mani und seiner Schüler," *SPAW*, Phil.-hist. Kl., 1933, pp. 28-29.
- G. Stroumsa, "König und Schwein. Zur Struktur des manichäischen Dualismus," in J. Taubes, ed., *Gnosis und Politik*, Paderborn, 1984, pp. 141-53.
- W. Sundermann, *Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts*, Berlin, 1981.
- Idem, "Mani's Revelations in the Cologne Mani Codex and in Other Sources," in L. Cirillo et al., eds., *Codex Manichaicus Coloniensis*, Cosenza, 1985, pp. 205-14.
- Idem, "Studien zur kirchengeschichtlichen Literatur der iranischen Manichäer I," in *AoF* 13, 1986, pp. 40-92.
- . Taqīzāda, "The Early Sasanians. Some Chronological Points Which Possibly Call for Revision," *BSOAS* 11, 1943-46, pp. 6-51.
- J. Wiesehöfer, "Ardašīr I. 1. History," *Elr.* II/4, pp. 371-76.